

## مقدمه

سید نعمت الله جزائری فرزند عبدالله بن محمد موسوی جزائری از فقیهان و محدثان بزرگ شیعه در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در روستای صباغیه در نزدیکی شهر بصره متولد شد. وی در جزائر بصره، شیراز و اصفهان تحصیل نمود و از محضر اساتیدی چون علامه مجلسی بهره گرفت و در تألیف کتاب سترگ بحار الانوار و مرآة العقول با او همکاری داشت. سپس به شوشتر آمد و در کنار تعلیم و تدریس، منصب قضاوت و امامت جمعه را در آن دیار برعهده گرفت. (امین عاملی، ۱۰ / ۲۲۶؛ خوانساری، ۸ / ۱۵۱) او افزون بر مجلسی از میرزا ابراهیم فرزند ملاصدرا، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز استفاده علمی کرد. عالمانی که از جرگه اخباریان معتدل به حساب می آیند. وی سرانجام در سال ۱۱۱۲ قمری به هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس در بین راه بیمار و در شهر پل دختر از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. (کرمی، ۱۳۸۵، دانشنامه جهان اسلام، ۱۰ / ۲۵۰) جزائری در ابتدای کتاب انوار النعمانیه خویش، زندگی نامه خودنوشته دارد که در سن ۳۹ سالگی به رشته تحریر در آورده و در آن به شرح وقایع زندگی خویش از سن پنج سالگی پرداخته و سیر مدارج علمی و سفرهای خود برای کسب دانش را بیان کرده است. این زندگی نامه در ابتدای کتاب تفسیر او نیز چاپ شده است. جزائری تألیفات بسیاری در رشته‌های مختلف علمی همچون فقه، اصول فقه، ادبیات، حدیث، رجال، کلام و تفسیر دارد که تعداد آنها نزدیک به یکصد جلد می‌رسد و در مقدمه کتاب عقود المرجان به فهرست آنها اشاره شده است. از جمله این آثار می‌توان به جواهر الغوالی فی شرح عوالی اللئالی (نک: افندی، ۵ / ۲۵۴ - ۲۵۵) که -با عنوان مدینه الحدیث هم از آن یاد شده است - الانوار النعمانیه در شرح احوال انسان از قبل از تولد تا پس از مرگ، غایة المرام در شرح تهذیب الاحکام شیخ طوسی، کشف الاسرار فی شرح الاستبصار و حواشی و شرح به ترتیب بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه اشاره نمود. (برای نمونه نک: آقا بزرگ تهرانی، ۲ / ۴۴۶؛ ۲۴ / ۳۶۰؛ ۱۶ / ۱۸ - ۱۹؛ مشار، ج ۶ ستون ۶۳۰).

## تحلیلی بر رویکرد تفسیری محدث جزائری

محسن قاسم پور<sup>۱</sup>مجتبی علی اکبریان<sup>۲</sup>

## چکیده

پس از عصر نزول قرآن در تاریخ تفسیر، شاهد بروز رویکردی هستیم که تفسیر قرآن را صرفاً در بستر دانش حدیث دنبال کرده است. بر اساس این رویکرد باب نظروری و اجتهاد در حوزه معانی قرآن، مسدود بوده است. به همین علت بوده که شیخ طوسی از کسانی یاد می‌کند که تفسیر هیچ بخشی از ظواهر قرآن را جز به کمک خبر منقول جایز نمی‌شمرده اند. نشانه‌های آشکار حضور این جریان روایت‌گروی را در سده یازدهم هجری و در میان گفتمان کسانی از مکتب اخباری مانند استرآبادی ملاحظه می‌کنیم. شایسته یادآوری است همه وابستگان به این جریان فکری در نگاه تفسیری خود یکسان نبوده اند. یکی از این مفسران، سید نعمه الله جزائری صاحب تفسیر عقود المرجان است. نوشته حاضر به بررسی روش تفسیری این مفسر می‌پردازد. این تفسیر با توجه به دیدگاه فکری مؤلف آن، در زمره تفاسیر اخباری جای می‌گیرد. وی با وجود دیدگاه اخباری، علاوه بر استفاده از احادیث معصومان، از نظرات دیگر مفسران شیعه و سنی بهره برده و آنها را به صورت گزینشی و منتخب در ذیل آیات بیان نموده است. مفسر در پاره‌ای موارد به گزینش و یا ترجیح قولی بر قول دیگر و یا حتی ارائه نظری ذیل آیه اقدام نموده است. به همین دلیل گرچه روح حاکم بر تفسیر وی برگرفته از اندیشه‌های اخبار گرایانه است اما در یک بیان کلی می‌توان گفت: این تفسیر، در فرازهای گونه‌گون خود از مشی اخباری‌گری خارج شده است. استناد به سخنان مفسرانی مانند شیخ طوسی و طبرسی و یا زمخشری و دیگرانی که تفسیری متفاوت از رویکرد اخباری داشته نشانه آشکار این خروج به شمار آمده و حتی می‌توان گفت اقوال آن‌ها را که خردورانه است تلقی به قبول کرده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، مفسران، روش شناسی، اخباریان، سید نعمت الله جزائری، عقود المرجان

عقود المرجان فی تفسیر القرآن<sup>۱</sup> تفسیر کل سوره‌های قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه خویش بر این کتاب، در بیان انگیزه و هدف خود از تألیف این تفسیر چنین آورده: «پس از توفیق الهی در نوشتن شرح کتابهای تهذیب و استبصار و توحید صدوق و تألیف کتاب انوار النعمانیه، بار دیگر عنایت خداوند شامل حال من شد تا کتابی در تفسیر و تأویل آیات الهی، برگرفته از کلمات معصومان و نیز آرای مفسران بنویسم و امور مهم مربوط به قرائت و نکات دستوری و ادبی و ترکیب‌های نحوی را در حاشیه قرآن کریم بیاورم تا استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد. این شیوه، گونه‌ای شگفت و زیباست که تا کنون کسی به مانند آن انجام نداده است.» (جزائری ۱/ ۲۹ و ۳۰)

وی همچنین در آخر کتاب و پس از به انجام رسیدن آن، آورده است: «از سالها پیش ذهنم به این فکر مشغول بود که بر حاشیه قرآن، مطالبی که مورد نیاز است را بنویسم و اکنون خداوند سبحان این توفیق را نصیبم کرد و این کار به گونه‌ای شگفت که هیچ سابقه‌ای در میان تألیفات متقدمان و متأخران ندارد، انجام شد. کسی که چنین قرآنی را همراه خود داشته باشد، از تمام کتب تفسیری و قرائت و مراجعه به احادیث تفسیری اهل بیت بی‌نیاز خواهد بود. چرا که من گلچینی از این کتابها را برگرفته و آورده‌ام.» (همو، ۵/ ۵۱۷)

در زیر به مهم‌ترین خطوط در اندیشه و روش تفسیری سید نعمت‌الله جزائری پرداخته می‌شود.

### ۱- رویکرد اخباری جزائری و تفسیر قرآن

شاید در اینجا سؤالی در ذهن خوانندگانی که با مسلک فکری و علمی سید نعمت‌الله جزائری آشنا باشند، به وجود بیاید که ایشان با وجود مسلک اخباری‌گری و انتساب به

۱- این کتاب توسط موسسه فرهنگی شمس الضحی، تحقیق و تصحیح شده و در سال ۱۳۸۸ شمسی، چاپ نخست آن در پنج مجلد در قطع وزیری توسط انتشارات نور وحی وارد بازار شده است. در توضیحی که توسط گروه تحقیق در ابتدای کتاب آورده شده، آمده است: «اکثر قریب به اتفاق مطالب کتاب، توسط خود مؤلف نوشته شده و اندکی از مطالب، از غیر ایشان است که ممکن است به امر او یا پس از وی نوشته شده باشد که این موارد با علائمی در متن کتاب نشان داده شده است. دیگر آنکه مطالب و روایاتی که مؤلف در این کتاب آورده، گاه توسط ایشان تلخیص شده و گاه مضمون آنها با زیاداتی آورده شده است.»

اخباریان که قائل به عدم فهم ظواهر قرآن برای غیر معصومان هستند، به چه دلیل دست به تفسیر قرآن کریم زده است؟ عدم اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن و فهم آن نکته‌ای است که دیدگاه عمده اخباریان بدان انتساب یافته است. (استرآبادی، ۱۶۴؛ حرعاملی، ۱۸۶-۱۹۵) در عین حال همه اخباریان در این مقوله همداستان نیستند. به عنوان نمونه می‌توان گفت در اندیشه اعتدالی یوسف بحرانی موضوع عدم حجیت ظواهر قرآنی صرفاً به حوزه احکام شرعی و آیات الاحکام منحصر گردیده است. (نک: بحرانی، ۱/ ۳۲) فیض کاشانی نیز از آن دسته از عالمانی است در میان اخباریان که دستیابی به معانی استوار ظواهر قرآنی را برای عالمان میسر می‌داند. (فیض کاشانی، ۱/ ۲۳) جزائری هم به سان یوسف بحرانی به چنین اندیشه‌ای متمایل است. به باور او تقسیم معانی قرآن به انواع سه‌گانه شامل بخش‌های فهم پذیر را می‌پذیرد. (معرفت، ۱/ ۹۲-۹۳)

گویی خود ایشان نیز به این سؤال توجه داشته است. چرا که در همین ابتدای کتاب به آن اشاره کرده و به عنوان دفع دخل مقدر آورده است: «بدان که ما در حاشیه قرآن، برخی از کلمات و آرای مفسران را می‌آوریم و شاید شما گمان کنید که این کار با آنچه اصحاب ما روایت کرده‌اند، منافات دارد که هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند و به سخن حق و درست هم برسد، باز خطا کرده و کارش اشتباه است.<sup>۱</sup> تا جایی که یاران و دوستان اخباری ما بر این اعتقاد شده‌اند که تمام قرآن متشابه است و تفسیر هیچ بخشی از آن جز با حدیث و روایت جایز نیست.» (جزائری، ۱/ ۲۹)

وی در ادامه گفتار خویش با استناد به دیدگاه شیخ طوسی؛ به پاسخ این پرسش پرداخته و گفته است: «من در پاسخ می‌گویم در این باره حق همان است که شیخ طوسی؛ فرموده: روا نیست در کلام خداوند و سخنان اهل بیت تناقض باشد. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره شعراء فرموده است: "بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ": این قرآن به زبان عربی آشکار است" و در جایی دیگر عدم تدبر در آیات قرآن را مذمت کرده است. همچنین پیامبر (ص) فرموده: هر گاه حدیثی منسوب به من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید. (کلینی، ۱/ ۶۹) حال چگونه می‌توان گفت چیزی از این قرآن قابل فهم نیست؟ سپس شیخ طوسی؛ اقسام

چهارگانه‌ای برای آیات قرآن برمی‌شمارد. اول آیتی که علم آن به خداوند متعال اختصاص دارد. مانند آیه ۳۴ سوره لقمان که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»: علم به روز قیامت تنها در نزد خداوند است. دوم آیتی که هر کس به زبان عربی آشنا باشد، معنای آنها را می‌فهمد. مانند «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»: بگو خدا یکی است. سوم آیتی که معنای آنها مجمل است و ظاهرشان از معنایشان خبر نمی‌دهد. مانند «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»: و نماز را برپا دارید<sup>۱</sup> که جزئیات آنها جز با سخنان پیامبر (ص) قابل فهم نیست. چهارم، گونه‌ای که لفظی مشترک بین دو یا چند معنا در آیه وجود دارد. در این موارد جایز نیست به طور قطع یک معنا از معانی مشترک را اراده کنیم مگر آنکه نصی صریح نسبت به آن وجود داشته باشد. بنابراین نهی از تفسیر به رأی قرآن، شامل گونه اول به طور مطلق و گونه‌های سوم و چهارم در صورت اراده تفصیلی از آنها می‌باشد.» (مقدمه مؤلف، ۱/ ۲۹ به نقل از طوسی)

این سخن را می‌توان از دو نقطه نظر مورد بررسی قرار داد: نخست آن که از یک سو می‌توان شهادی بر درستی انتساب نظریه عدم حجیت و فهم ظواهر قرآن و جایز نبودن تفسیر دست کم به برخی از اخباریان دانست، چرا که ممکن است برخی در آن تشکیک کرده و این نسبت را نادرست بدانند.<sup>۱</sup> ایشان خود که از معاصران اخباریان و جزئی از آنها به شمار می‌آید، بر این انتساب صحه گذاشته و آن را تأیید کرده است. این مطلب در دیگر کتب جزائری همچون منبع الحیة نیز آمده، وی در آنجا با نقل آرای اخباریان و مجتهدان نسبت به حجیت منابع استنباط احکام، متشابه بودن همه قرآن برای غیر معصومان و عدم جواز استنباط و اخذ احکام از آن بدون مراجعه به احادیث را از جمله عقاید اخباریان نسبت به قرآن کریم برشمرده است. (جزائری، منبع الحیة، ۴۴ و ۴۸)

این سخن همچنین نشان می‌دهد که همه اخباریان در یک سطح نبوده و از جهت فکری و مبنا با هم اختلافاتی داشته‌اند. برای نمونه خود جزائری نظر آنها را رد کرده و بر خلاف عموم اخباریان، تفسیر قرآن را نسبت به مواردی که شیخ طوسی برشمرده، جایز دانسته است. وی در کتاب منبع الحیة نیز نفی مطلق حجیت قرآن نسبت به احکام از سوی

اخباریان را نظری بدون وجه شمرده و بر وجود آیات محکم و ظاهر الدلالة در قرآن کریم تأکید نموده است. (همانجا، ۴۴) بدین سان وی ظواهر آیات قرآن و سنت را حجت می‌داند. (همانجا، ۴۹).

به عبارتی دیگر او از زمره اخباریان نسبتاً معتدل بوده و به تعبیر مشهور، طریقه اعتدال و حد وسط را برگزیده بوده است. وی در کتابها و رساله‌های متعدد خویش به اخذ چنین مسلکی تصریح و آن را روش استادش محمد باقر مجلسی نیز ذکر کرده است. چنین می‌نماید که پژوهشگران بر اساس سخنان خود جزائری که به صراحت به این طریق اعتدالی و پرهیز از تدروی‌های دیگر اخباریان، اذعان کرده چنین برداشتی از رویکرد اعتدالی او دارند. (برای نمونه نک: جزائری، غایه المرام، ۱/ ۲، ۴۰/ ۱۴۰) او در توضیح طریقه اعتدالی، آن را اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن در تشریح معرفی نموده که نه مانند طریق مجتهدان اصولی است که در استنباط احکام به قواعد و استدلالهای عقلی تکیه زده‌اند و نه مانند اخباریانی همچون محمدامین استرآبادی که هرگونه استنباط مبتنی بر قواعد ظنی را انکار کرده و عمل به ظواهر قرآن را از مصادیق آن شمرده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۰/ ۲۵۱).

## ۲- منابع تفسیر جزائری

مفسر برای تألیف این اثر هم از منابع متعدد روایی بهره برده و هم از منابع و متون تفسیری. روایاتی که در این تفسیر آمده، گاه از منابع معتبر همچون کتاب کافی- به مثابه منبعی از منابع معتبر امامیه-، و گاه از منابعی با اعتبار کمتر همچون تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. در مجموع می‌توان روایات این کتاب را برگرفته از منابعی مثل الکافی، علل الشرایع، تفسیر قمی، تفسیر نور الثقلین، معانی الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، النخصال، الاحتجاج، التهذیب، عیون اخبار الرضا (ع) و ... دانست.

وی همچنین در تفسیر خود از منابع تفسیری متعدد و گوناگون شیعی و سنی همچون مجمع البیان، تفسیر الصافی، تفسیر العیاشی، التبیان شیخ طوسی، تفسیر غرائب القرآن و نیشابوری، تفسیر البیضاوی، الکشاف، التیسیر و ... بهره برده است. اما بیشتر مباحث ادبی و اعرابی آیات را از تفسیر کشاف زمخشری و عمده نظرات تفسیری ناظر به محتوای آیات را از تفاسیر مجمع البیان و بیضاوی و مواردی هم از تفسیر صافی نقل قول نموده است. وی در تفسیر

۱- نک: نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ۱۳

آیات الاحکام از کتاب مسالک الإفهام از جواد بن سعید معروف به فاضل جواد از عالمان سده یازدهم استفاده زیادی برده و در مواردی عین نصوص آن را آورده است.

آشکار است مفسری مانند وی در تبیین آیات الهی خود را منحصر در اقوال صرف روایی نکرده و از آراء دیگر مفسران که به شیوه ایی جامع و فراگیر در تفسیر قرآن بهره گرفته اند، استفاده کرده است. این نگاه به منابع تفسیری به خصوص مفسرانی مانند شیخ طوسی و یا زمخشری و نیشابوری او را از دیگر مفسران اخباری متمایز کرده است. به بیان دیگر، این رویکرد تفسیری نمی تواند نسبتی با عدم اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن که باور افراطی گروهی از مفسران اخباری است، داشته باشد.

## ۲-۱- نحوه استناد به منابع توسط مؤلف

در ارتباط با استناد به منابع، چنین باید گفت که مؤلف در مواردی اندک، نامی از منابع و مآخذی که روایات یا نظرات مفسران را از آنها نقل کرده، برده است و در اکثر موارد از این موضوع مهم غفلت ورزیده و ذکری از این منابع به میان نیاورده است. یکی از کارهای اصلی محققان این اثر، یافتن منابع این تفسیر اعم از روایات و آرای مفسران بوده که مؤلف از آنها استفاده نموده است که در این کار توفیق نسبتاً شایانی به دست آورده‌اند و غالب این منابع شناسایی شده و در پاورقی به آنها اشاره شده است.

به عنوان نمونه، جزائری در ابتدای سوره آل عمران پس از اشاره به فضیلت و اهمیت تلاوت این سوره، در تفسیر آیات «**الْم \* اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**» آورده است: «روى عن ائمتنا أن الحروف المقطعة في أوائل السور من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها غيره. و عن الشعبي قال: لله في كل كتاب سرّ و سره في القرآن حروف التهجي في أوائل السور.» (۲۸۲/۱)

وی در ادامه تفسیر حروف مقطعه با استناد به روایتی از امام صادق (ع)، به نوعی تفسیر حرفی از آن ارائه کرده و درباره قرائت و فراز دیگر آیه گفته است: «عن الصادق (ع) و اما "الم" فی آل عمران فمعناه: أنا الله المجید. قرأ ابو جعفر بسكون الميم و قطع همزة "الله" و الباقون موصولاً و بفتح الميم. "الحي القيوم" عن ابن عباس أنه اسم الله الاعظم و هو الذي دعا به اصف بن برخيا في حمل عرش بلقيس.» (همانجا)

همان گونه که ملاحظه می شود، مؤلف برای روایات و نیز نقل قولهایی که از کتب مفسران در اینجا آورده است هیچ منبعی ذکر نکرده، اما با مصدربابی این اقوال توسط محققان این تفسیر، مشخص شده که روایت مذکور درباره حروف مقطعه و کلام شعبی در این موضوع و نیز نظر بیان شده پیرامون نوع قرائت آیه و معنای "الحي القيوم"، برگرفته از تفسیر مجمع البیان (۱/ ۱۱۲ و ۲/ ۶۹۴) و روایت مذکور از امام صادق (ع) در معنای "الم" از کتاب معانی الاخبار (ص ۲۲) می باشد.

## ۲-۲- شیوه استفاده از منابع در عقود المرجان

شیوه مؤلف در نقل روایات و کلمات دیگر مفسران به این ترتیب است که در برخی موارد، عین روایت یا آرای مفسران را آورده و در بعضی موارد، مضمون و محتوای آنها را به صورت خلاصه نقل کرده است. در مواردی نیز این کار به صورت بیان چکیده انجام شده که موجب دشوار شدن یافتن منبع آنها بر محققان اثر گشته است. از باب نمونه با نظر به مطلب پیش گفته از مؤلف پیرامون آیات ابتدایی سوره آل عمران و رجوع به منابع اصلی آنها روشن می شود که مؤلف، روایات و نظرات مفسران را به صورت گزینشی و گاه با نقل به مضمون آورده است.

در تفسیر مجمع البیان در ابتدای سوره بقره و بیان معنای حروف مقطعه آن، آمده است: «أنها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو هذا هو المروي عن أئمتنا. و روت العامة عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي. و عن الشعبي قال: لله في كل كتاب سرّ و سره في القرآن سائر حروف الهجاء المذكورة في أوائل السور و فسرّها الآخرون على وجوه.» (طبرسی، ۱/ ۱۱۲) اما جزائری مؤلف تفسیر عقود المرجان، عباراتی که زیر آن خط کشیده شده را به صورت گزینشی برای حروف مقطعه در ابتدای سوره آل عمران آورده است.

همچنین روایتی که از معانی الاخبار نقل شده، به این صورت در آن کتاب آمده است: «عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّعِيدِ الثَّوْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِبَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْمَ وَ الْمَصَّ وَ الرَّوَ الْمَرَ وَ كَهَيْعَصَ وَ طَهَ وَ طَسَ وَ طَسَمَ وَ يَسَ وَ صَ وَ حَمَ وَ حَمَّ وَ عَسَقَ وَ قَ وَ نَ. قَالَ (ع): أَمَّا الْمَ فِى

أَوَّلِ الْبَقْرَةِ فَمَعْنَاهُ أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ وَ أَمَّا الْمِ فِي أَوَّلِ آلِ عِمْرَانَ فَمَعْنَاهُ أَنَا اللَّهُ الْمَجِيدُ وَ الْمِص  
...» (صدوق، معانی الاخبار، ۲۲)

چنانکه مشاهده می‌شود، مؤلف تنها بخش مربوط به معنای "الم" در ابتدای سوره آل عمران را به طور گزینشی در معنای این آیه نقل کرده است.

در مورد نظر ارائه شده پیرامون نوع قرائت آیه هم در تفسیر مجمع البیان چنین آمده است: «القرءة: قرأ أبو جعفر و الأعشى و البرجمي عن أبي بكر عن عاصم، الم الله بسكون الميم و قطع همزة الله و قرأ الباقون موصولاً و بفتح الميم و روي في الشواذ عن عمر بن الخطاب و ابن مسعود و إبراهيم النخعي و الأعمش و عن زيد بن علي بن الحسين و عن جعفر بن محمد الصادق و عن النبي (ص) الحي القيوم و روي عن الحسن الإنجيل بفتح الهمزة.» (طبرسی ۲/ ۶۹۴)

که صاحب عقود المرجان، قسمتی را که زیر آن خط کشیده شده به صورت خلاصه و حذف بعضی کلمات آورده است. معنای "الحي القيوم" هم که جزائری بلافاصله بعد از این مطلب آورده، در تفسیر مجمع البیان، در دو صفحه بعد و به این صورت آمده است: «المعنى: إن الله تعالى لما ختم سورة البقرة بذكر التوحيد و الإيمان افتتح هذه السورة بالتوحيد و الإيمان أيضا فقال «الم» و قد ذكرنا الاختلاف فيه و في معناه و في محله في أول سورة البقرة «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» و قد ذكرنا ما فيه في تفسير آية الكرسي و روي عن ابن عباس أنه قال «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» اسم الله الأعظم و هو الذي دعا به آصف بن برخيا صاحب سليمان (ع) في حمل عرش بلقيس من سبأ إلى سليمان قبل أن يرتد إليه طرفه ...» (همو، ۲/ ۶۹۶)

که باز هم بخشی از آن انتخاب شده و در تفسیر عقود المرجان در ذیل آیه دوم آل عمران بیان شده است. این سبک و شیوه را می‌توان در تفسیر تمام آیه‌ها و سوره‌های این کتاب مشاهده نمود. یعنی بیان روایات و آرای مفسران به صورت نقل قول کامل یا گزینشی و خلاصه شده، بدون هیچ شرح و توضیحی از سوی خود مؤلف که غالب این موارد نیز بدون ذکر منبع استفاده شده می‌باشد.

### ۳- چگونگی تفسیر به مآثور در عقود المرجان

با نظر به مطالب بیان شده، نقل روایات از منابع مختلف در تفسیر آیات، از اجزاء اصلی روش تفسیری مؤلف می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این باره آن است که سند هیچ یک از این روایات، در این تفسیر نیامده است. با بررسی اسناد روایات به کار رفته در عقود المرجان، مشخص می‌شود که برخی از این احادیث، معتبر و از نظر سندی صحیح هستند و برخی ضعیف و موارد اندکی هم نادرست و احتمالا مجعول به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه مصادیقی از این موارد را از نظر می‌گذرانیم.

#### ۳-۱- نمونه احادیث معتبر

##### ۳-۱-۱- نمونه اول:

مؤلف در ذیل آیه ۱۷ از سوره آل عمران: «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَائِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» در تفسیر استغفارکنندگان در وقت سحر، روایتی را از امام صادق (ع) از کتاب الخصال محدث شهیر شیخ صدوق؛ بدین صورت نقل کرده است: «عن الصادق (ع): مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أُوْتِرَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ هُوَ قَائِمٌ فَوَاطِبَ عَلَى ذَلِكَ سَنَةً كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَ وَجِبَتْ لَهُ الْمَغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» (همانجا، ۱/ ۲۹۱)

این روایت که بدون سند نقل شده، در کتاب الخصال با سند زیر وجود دارد: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أُوْتِرَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً....» (صدوق، ۲/ ۵۸۱)

با مراجعه به کتب رجالی و جستجو در احوال راویان، مشخص می‌شود که این حدیث از نظر سندی صحیح و معتبر می‌باشد. (نک: خویی، شماره‌های ۹۲۸، ۱۲۰۰۴، ۸۹۸، ۳۰۷۰ و ۸۸۱۷)

##### ۳-۱-۲- نمونه دوم:

از جمله احادیث صحیح این تفسیر، روایتی است که مؤلف در ذیل آیه ۱۷ سوره نساء: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» از امام صادق (ع) و به نقل از کتاب معتبر کافی و البته بدون ذکر سند آورده است:

«عن الصادق (ع): إِذَا بَلَغَتِ النَّفْسُ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ لَمْ يَكُنْ لِلْعَالِمِ تَوْبَةٌ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّمَا التَّوْبَةُ... (الآية)» (همانجا، ۱/ ۴۲۸)

سند این روایت در کتاب کافی چنین است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع)... (کلینی، ۱/ ۴۷)

با مراجعه به کتب رجالی مشخص می‌شود که راویان این حدیث نیز همگی ثقه هستند و این روایت هم صحیح و معتبر می‌باشد. (نک: خویی، شماره‌های ۷۸۱۶، ۳۳۲، ۱۰۱۸ و ۲۳۶۱)

### ۲-۳- نمونه احادیث ضعیف

#### ۱-۲-۳- نمونه اول:

جزائری در ابتدای سوره حمد در رابطه با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چند روایت نقل نموده که یکی از آنها روایت ذیل می‌باشد:

"قال الصادق (ع): أكتب البسملة من أجود كتابتك ولا تمدّ الباء حتى ترفع السّين" (همو، ۱/ ۳۲)

این روایت نیز که از کتاب کافی نقل شده از سند ذیل برخوردار است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ سَيْفِ بْنِ هَارُونَ مَوْلَى آلِ جَعْدَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)... (کلینی، ۲/ ۶۷۲)

با توجه به بررسی احوال راویان این حدیث در منابع رجالی، مشخص می‌شود محمد بن علی که در این سند وجود دارد، مشهور به ابو سمینه و دارای جرح است و فردی بسیار ضعیف و فاسد الاعتقاد شمرده شده (خویی، شماره ۱۱۲۵۹؛ ۱۶/ ۲۹۷) از این رو حدیث فوق از جهت سندی، ضعیف به شمار می‌آید.

### ۲-۲-۳- نمونه دوم:

همچنین در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» که آیه ۶۷ سوره مائده است، مؤلف چندین روایت آورده است. از جمله روایتی که در ظاهر بر تحریف قرآن دلالت دارد:

«و فی کتاب الاحتجاج عن الباقر (ع) أن الآية هكذا نزلت: يا أيها الرسول بلِّغ ما أنزل إليك في عليّ (ع) وإن لم تفعل فما بلِّغ رسالته...» (ابو منصور طبرسی، ۱/ ۶۲۰)

این روایت هم با توجه به متن آن که مخالف با عقیده عموم مسلمانان به خصوص عالمان شیعی (نک: حسینی میلانی، ۹-۲۵) مبنی بر عدم نقصان و زیادت در قرآن است، روایتی نامعتبر و یا حداقل قابل تأویل می‌باشد. به باور استاد معرفت آغاز گر اصلی بحث از تحریف قرآن در قرون اخیر برخی روایات استفاده شده توسط همین جزائری در کتاب منبع الحیاه اوست. (معرفت، ۱۵۸).

بنابراین همان طور که از این موارد مشاهده شد، روایات ذکر شده در این تفسیر، همگی بدون سند، گاه از منابع معتبر و صحیح و گاه از غیر آنها و از جمله احادیث ضعیف می‌باشند. بدین سان تفسیر عقود المرجان جزائری هم چون دیگر تفاسیر روایی دیگر از آفت و آسیب روایات ضعیف و سست و ناستوار مصون نمانده است.

### ۴- اجتهادات تفسیری جزائری

کاربست این عنوان در خصوص یک تفسیر روایی و محدث و عالمی که به جرگه مفسران اخباری منسوب است می‌توان از اعتبار و جایگاه استواری برخوردار باشد. به بیانی ساده تر آیا یک عالم اخباری هرچند دارای مشی ایی اعتدالی را می‌توان در حوزه تفسیر قرآن دارای اجتهاد و نظر ورزی به حساب آورد. به کار گیری چنین انگاره ای در باره چنین مفسری دور از انتظار نیست. چنان که در میان اهل سنت نیز چنین انگاره ای برای برخی نظیر محمد بن جریر طبری به کار رفته است. زیرا طبری هم در جاهایی در تفسیر خود دارای آراء اجتهادی است. مانند گزینش او در مباحث لغوی و برخی نظریات در حوزه قرائت. به همین ترتیب می‌توان گفت، روش جزائری در ارائه تفسیر آیات گاهی اجتهادی است. روش وی ابتدا این گونه است که در آغاز هر سوره، روایاتی درباره فضیلت و ثواب تلاوت آن می‌آورد و سپس به ترتیب آیات، به تفسیر آنها با اولویت سخنان و کلمات معصومان می‌پردازد. به این

صورت که اگر روایتی در مورد محتوا و مضمون آن آیه وجود داشته، ابتدا آنها را نقل کرده و در ادامه برای تفسیر فرازاها و عبارات آیات از سخنان و نظرات دیگر مفسران بهره برده است. پس از آن وی در موارد بسیار اندکی، پس از نقل روایات یا کلمات مفسران، به اظهار نظر پیرامون آیات یا مطالب نقل شده پرداخته است. با بررسی تعداد این موارد که در بردارنده رأی و نظری از مؤلف بوده، در کل جلد اول که شامل پنج سوره ابتدایی قرآن کریم و در بردارنده ۷۹۰ آیه است، حدود هشتاد مورد اظهار نظر از مؤلف مشاهده می شود که غالباً با کلمه "اقول" یا "الظاهر" همراه است و این موارد نیز عمدتاً در قالب جملات و سطور محدودی می باشند. به عبارتی در ذیل حدود ده درصد آیات از این پنج سوره، اجتهادات تفسیری جزائری دیده می شود که در ذیل به صورت مصداقی به برخی از آنها اشاره می کنیم.

#### ۴-۱- اظهار نظرهای مستقل

##### ۴-۱-۱- نمونه اول:

از جمله آرای اجتهادی جزائری در تفسیرش، سخن او در تفسیر آیه ۱۴۴ از سوره آل عمران: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ...» و در توضیح عبارت «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ» می باشد. او بعد از بیان نظرات دیگر مفسران پیرامون این آیه، آورده است: «أقول: يجوز أن يكون الترديد والإبهام بين الموت والقتل إشارة إلى ما ورد على النبي (ص) و كان سبباً لموته و ذلك أنه سقى السم مرتين. أحدهما: ما سقته إياه اليهودية الخيرية...؛ ممكن است تردید و ابهامی که در آیه درباره شهادت یا مرگ طبیعی رسول خدا (ص) بیان شده، اشاره به جریان‌ی باشد که برای ایشان واقع شد و مرگشان را به دنبال داشت. چرا که دو مرتبه به پیامبر (ص) سم خورانده شد. اول توسط یک زن یهودی از قبیله خیبر...» (۱/۳۷۱)

که این اظهار نظر درباره مفاد یک آیه به گونه مستقل اگر چه به صورت احتمالی، تفسیری اجتهادی تلقی می شود.

##### ۴-۲-۱- نمونه دوم:

جزائری گاه بعد از نقل روایاتی در تفسیر آیات، نسبت به آن روایت اظهار نظری کرده است. همچون آیه ۲۵ سوره بقره که در توضیح کلمه "خالدون" به حدیثی از امام صادق (ع) درباره علت خلود اهل جهنم در آتش و اهل بهشت در بهشت اشاره کرده که سبب آن، نیت‌های آنان در انجام دائمی اعمال نیک و بد عنوان شده است. (کلینی، ۲/۸۵) سپس اضافه نموده: «أقول: هذا الحديث إشارة إلى معنى آخر لقوله (ع) نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله (همو، ۲/۸۴)؛ جزائری گفته است: به عقیده من این حدیث اشاره به معنای دیگری از سخن پیامبر (ص) دارد که نیت مؤمن برتر از عمل او و نیت کافر بدتر از کردار اوست.» (۱/۵۳) انتخاب و گزینش حدیث در تبیین مفهوم خلود و نسبت آن با نیت، از نکاتی است که هر چند به طور نسبی، هم که شده جزائری در تفسیر آیه فوق از آن بهره گرفته است.

##### ۴-۱-۳- نمونه سوم:

همچنین جزائری در تفسیر آیه ۲۶۱ از سوره بقره: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ...» حدیثی از مفضل به نقل از امام صادق (ع) بدین صورت آورده است:

«عن المفضل قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ» قال: الحبة فاطمة و السبع السنابل سبعة من ولدها سابعهم قائمهم، قلت: الحسن؟ قال: إن الحسن إمام من الله مفترض طاعته و لكن ليس من السنابل السبعة. أولهم الحسين و آخرهم القائم...» (عیاشی سمرقندی، ۱/۱۴۷)

این روایت، هفت سنبله یا خوشه گندم را به هفت فرزند از ذریه حضرت فاطمه تطبیق کرده که هفتمین آنها امام قائم (ع) خواهد بود. روشن است که این معنا با روایات دیگر سازگار نیست چرا که در آنها امام قائم، امام دوازدهم معرفی شده که دهمین فرزند حضرت فاطمه می شود. از این رو جزائری بعد از نقل این روایت گفته است: «أقول: يمكن تأويل هذا الحديث و حمله على حذف المكرر من أسمائهم؛ می توان این روایت را تأویل نمود و آن را بر حذف اسامی تکراری از نام ائمه حمل نمود.» (جزائری، عقودالمرجان، ۱/۲۵۳) این

شیوه رویکرد حدیثی و رویگردانی از معنای ظاهری و تمایل به تاویل آن از مولفه های اجتهادی هرچند محدود در تفسیر به شمار می آید.

#### ۴-۲- ترجیح یکی از اقوال به مثابه دیدگاه تفسیری مؤلف

در میان اظهار نظرهای مؤلف در تفسیر آیات، مواردی مربوط به ترجیح یکی از اقوال مطرح شده به چشم می خورد. این موارد درست همان مواضعی است که به نظر می آید وی از مشی اخباری در تفسیر قرآن خارج شده است. برخی نمونه ها شایسته ذکر است:

#### ۴-۲-۱- نمونه اول:

برای مثال ایشان در تفسیر آیه چهارم از سوره مبارکه حمد، آورده است: «مالک یوم الدین» قرأ عاصم و الکسانی و خلف و یعقوب: «مالک» بالالف و الباقون: «ملک» بغير ألف. و ذکر المفسرون فی ترجیح کل من القرائتین وجوها کثیره. والظاهر أن ملکه سبحانه و مالکیته متلازمان و الوارد فی الأخبار لفظ المالک و به ترجیح قراءة الألف؛ عاصم و کسانی و یعقوب کلمه مالک را با الف و دیگران بدون الف قرائت کرده اند و مفسران در ترجیح هر یک از این دو قول، وجوه بسیاری گفته اند. اما ظاهر آن است که مُلک و مالکیت خداوند متعال با یکدیگر تلازم دارند. از سویی در روایات نیز لفظ مالک وارد شده، بنابراین قرائت این کلمه با الف ترجیح خواهد داشت.» (همو، ۱/ ۳۳)

همانگونه که ملاحظه می شود مؤلف پس از بیان دو قول درباره قرائت کلمه "مالک"، یکی از آن دو را ترجیح داده و به عنوان نظر خود اعلام کرده است.

#### ۴-۲-۲- نمونه دوم:

مثال دیگر در این رابطه، آیه ۳۴ سوره بقره است. مرحوم جزائری پس از نقل اختلاف نظر درباره ماهیت ابلیس که آیا جزء فرشتگان بوده یا خیر، به نظر شیخ طوسی و شیخ مفید در این باره اشاره می کند که اولی معتقد به فرشته بودن او و دومی قائل به جن بودن او هستند. سپس با ترجیح نظریه تعلق او به جتّیان می گوید: «و الحق أن الأخبار الدالة علی أنه من الجن متظافرة و ما عارضها سبيله إما الحمل علی التقیة أو علی ضرب من التأویل؛ حق این است که اخبار و روایاتی که می گویند شیطان از طایفه جن بوده، متظافر هستند. اما روایاتی

که غیر از این مضمون را بیان کرده اند یا باید حمل بر تقیه کرد و یا باید آنان را به نوعی تاویل نمود.» (همو، ۱/ ۶۰)

#### ۴-۳- رد اقوال، جلوه ای دیگر از اجتهادات تفسیری جزائری

یکی دیگر از مصادیق آرای اجتهادی مؤلف در ذیل آیات، رد قول یا اقوال دیگران است. به عنوان نمونه وی در تفسیر آیه ۱۲ از سوره آل عمران: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ» و در توضیح عبارت "و تحشرون" ابتدا سخن زیر را از فاضل نیشابوری نقل کرده است:

«این آیه می تواند مستندی برای کسانی باشد که قائل به جبر و تکلیف ما لایطاق هستند. زیرا خداوند در این آیه به گونه خبری بیان داشته که کافران به سوی جهنم محشور خواهند شد. بنابراین اگر این کافران ایمان می آوردند، این خبر دروغ می شد. در واقع برای اینکه سخن خداوند دروغ و نادرست از کار در نیاید، کافران مجبورند که کافر بمانند و ایمان نیاورند.» (همو، ۱/ ۲۸۸)

سپس در رد سخن نیشابوری به وجوه سه گانه زیر استدلال نموده: «أقول: الجواب عنه بوجوه. أولها: أنه من باب ما تستهدیه إلى الطريق الواضح فتقول له إن مصیرک إلى جهنم. مریدا أنه إن بقى علی ما هو فیه و هذا شائع فی المحاورات و ثانیها: أنه إنما أخبر عنهم بعد أن لزمتهم الحجة واختارو الکفر و ثالثها: أنه إخبار عن علمه القديم المتعلق بأحوالهم؛ من می گویم پاسخ سخن او را به چند وجه می توان داد. اول آنکه این سخن مانند آن است که تو به کسی که قصد هدایت او را داری، بگویی عاقبت تو جهنم است! در حالیکه منظور تو آن است که اگر بر همان گمراهی باقی بماند، این گونه خواهد شد و این نوع گفتگو در محاورات امری شایع است. دوم آنکه خداوند بعد از اینکه حجت بر آنان تمام شده و آنان کفر را انتخاب نمودند، این خبر را درباره آنان بیان داشته است. سوم آنکه این سخن به علم قدیم خداوند درباره احوال کافران اشاره دارد.» (همان)

با بررسی دیگر نظرات تفسیری مؤلف، شاید بتوان بر این اقسام افزود ولی به همین مقدار اکتفا می کنیم.



## ۵- نتایج مقاله

پس از بیان روش تفسیری مؤلف در ارائه تفسیر و نحوه استناد و استفاده او از منابع و نیز ارائه نمونه‌هایی در این مورد، در یک جمع بندی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱- دقت در نظرات مطرح شده در ذیل آیات و توجه به منابع آنها که محققان اثر در پاورقی خاطر نشان کرده‌اند، گویای آن است که مؤلف در فرازهای گوناگون تفسیر که وجه غالب آن را تشکیل می‌دهد، نظر و رأی جدیدی در مورد آیات و تفسیر آنها نداده است. بلکه گلچینی از روایات تفسیری و نظرات دیگر مفسران را از کتب آنان، در ذیل آیات به صورت خلاصه و چکیده نقل کرده است. در واقع می‌توان هنر مؤلف را در گزینش و انتخاب و نقل نظرات دیگران دانست نه آرای تفسیری مستقل و ارائه آنها به مخاطب.

البته این چیزی است که خود مؤلف نیز به آن اذعان داشته و در ابتدا و انتهای کتاب خود، به آن متذکر شده که قصد نوشتن تفسیری بر حاشیه قرآن از احادیث تفسیری و کلمات مفسران را داشته است.

۲- اما این یادآوری سبب نمی‌شود که نقد وارد بر آن مبنی بر عدم ارائه نظرانی از خود مؤلف در تفسیر آیات، رنگ ببازد. چرا که بنابر ملاحظات این زمان نمی‌توان چنین کتابی را اثری پژوهشی و تألیفی نو نامید مگر از جهت قالب و شکل ارائه آرای مفسران گذشته به طور مختصر، همان گونه که مؤلف در مقدمه به بدیع بودن اثرش از این جهت اشاره نموده است.

۳- با توجه به دیدگاه فکری و علمی مؤلف که او را در زمره اخباریان قرار می‌دهد، جای تعجب نیست که در هیچ یک از روایاتی که در این تفسیر بیان شده، اثری از ذکر سند دیده نمی‌شود. چرا که غالب اخباریان تسامح زیادی در پذیرش روایات دارند و وجود یک روایت در منابع حدیثی به خصوص کتب اربعه را دلیل بر درستی و صحت آن می‌دانند و اعتقادی به بررسی سندی آنها ندارند. اما امروزه ضرورت بررسی سندی و متنی یک روایت به عنوان پیش شرطی برای پذیرفتن آن، امری مسلم و روشن به شمار می‌آید. از این رو باید ذکر

روایات بدون سند در این تفسیر را یکی از نقاط ضعف آن به حساب آورد و آن را وجه مشترک این تفسیر با غالب تفاسیر مفسران اخباری مسلک دانست.

۴- تصریح به ارائه روایات تفسیری و کلمات مفسران به طور گزینشی و خلاصه که از سوی مؤلف در مقدمه و خاتمه کتاب بیان شده، نمی‌تواند دلیل یا توجیه قانع کننده‌ای بر عدم ذکر منابع مورد استفاده توسط وی باشد. گو اینکه این کار بر حاشیه قرآن انجام شده است. چرا که انتقاد و اعتبار یک اثر بسته به منابع مورد استناد آن است و نام نبردن از آنها، خواسته یا ناخواسته بر صحت و اعتبار آن خدشه وارد می‌سازد. بنابراین عدم ذکر منابع در اکثر قریب به اتفاق موارد، از دیگر نقاط ضعف این تفسیر می‌باشد.

۵- بیان نکات ادبی، اختلاف قرانات، مباحث اعتقادی به خصوص ذیل آیات ولایت و پرداختن به نکات فقهی در ذیل آیات الاحکام را که برگرفته از نظرات مفسران پیشین است باید از نقاط قوت و امتیازات این تفسیر برشمرد. از این نظر که رویکرد تفسیری وی را به طور کلی در گفتمان اخباری گری تشکیل می‌دهد.

۶- آنچه که این تفسیر را با دیگر تفاسیر اخباری هرچند به طور نسبی متمایز می‌کند ورود به حوزه‌هایی اجتهادی و نظر دهی توسط مفسر است. تاثیر برخی اساتید مانند فرزند ملا صدرا و یا بهره‌گیری از کسانی مانند محمد باقر مجلسی و فیض کاشانی در این نحوه رویکرد تفسیری بی تاثیر نبوده است..

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله جامع علوم انسانی

- ۹- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ۱۰- جزائری، سید نعمت الله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: انتشارات نور و حی، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۱- همو، منبع الحیاة فی حجیة قول المجتهد من الاموات، چاپ دوم، قم: موسسه اعلمی، ۱۴۰۱ق.
- ۱۲- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
- ۱۳- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار الشیعه، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۴- حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ش.
- ۱۵- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۷- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- ۱۸- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ق.
- ۱۹- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲ق.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۱- معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ق.
- ۲۲- همو، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۸ق.

#### کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزوی واحمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ق.
- ۳- آرمیون، محمد رضا، نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۵- همو، الخصال، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۶- استرآبادی، محمد امین بن محمد شریف، الفوائد المدنیه، قم: چاپ رحمه الله رحمتی اراکی، ۱۴۲۲ق.
- ۷- امین، محسن، أعیان الشیعه (۱۲ جلدی)، چاپ اول، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
- ۸- افندی اصفهانی، عبد الله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم: چاپ احمد حسینی، ۱۴۰۱ق.